

حجاب و عفاف در قرآن کریم

برای ایجاد فرهنگ حجاب و پوشش مناسب در جامعه، باید ابتدا پایه های اعتقادی و بینش افراد رانسبت به این موضوع، محکم کنیم و این، یعنی نهادینه سازی باورهای درست و فرهنگ سازی دقیق. بنابراین، تهدید و اجبار، هیچ گاه به عنوان اولین راهکار، اثر بخش نخواهد بود.

«یا ایها النبى، قل لاوزاجک و بنائک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلابیبهنّ ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً؛ ای پیامبر به زنان و دختران خود و به زنان مؤمن بگو روسری های بلند بر خود بیفکنند، این عمل مناسب تر است، تا (به عفت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند و خداوند آمرزنده ی مهربان است.» (۱) (سوره احزاب، آیه ی ۵۹)

مفهوم حجاب

حجاب، در لغت به معنای مانع و پرده و پوشش آمده است. حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. بعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است و این دو بعد باید در کنار یکدیگر باشند؛ تا حجاب اسلامی محقق شود. گاهی، ممکن است یک بعد باشد ولی دیگری نباشد که در این صورت، نمی توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.

اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب می تواند اقسام متفاوتی داشته باشد، از جمله حجاب ذهنی، فکری و روحی، علاوه بر این، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می کند، نام برده شده است، مثل حجاب و پوشش در نگاه که به مردان و زنان، در مواجهه با نامحرم توصیه شده است.

«جلابیب» جمع جلباب، به معنای مقنعه ای است که سر و گردن را می پوشاند. (۲) و یا پارچه ی بلندی است که تمام بدن و سر و گردن را می پوشاند. (۳) مرحوم امین الاسلام طبرسی، در «مجمع البیان»، در ذیل آیه می نویسد، «جلباب» عبارت از روسری بلند است که هنگام خروج از خانه، زنان به وسیله ی آن، سر و صورت خود را می پوشانند ... مقصود این است که با روپوشی که زن بر تن می کند، محل گریبان و گردن را بپوشاند. با توجه به معنای جلباب و از جمله، این معنی که پارچه ی بلندی برای پوشیدن تمام بدن و سر و گردن است، در معنای امروزی، می توان پوشش «چادر» را با «جلباب» همانند و مشابه در نظر گرفت و از آن جا که در این آیه، به طور مشخص به استفاده ی زنان و دختران از جلباب اشاره شده است، می توان نتیجه گرفت که طبق فرموده ی رهبر معظم انقلاب اسلامی، چادر به عنوان یک حجاب برتر مطرح شده است.

پوشش، معرف شخصیت و عفت زن مؤمن است و موجب می گردد که افراد لایابالی جرأت نکنند به او جسارت کرده و به دید شهوت و هوسرانی به او بنگرند. این آیه، بیان می دارد: زنان مؤمن برای این که مورد آزار افراد هرزه قرار نگیرند، به گونه ای خود را بپوشانند که زمینه ای برای بی حرمتی به آنها فراهم نگرند.

خداوند در این فرموده اش، ابتدا فلسفه ی حجاب را تبیین می کند و با تهدید و زور، دستور حجاب را مطرح نمی کند و سپس، به بیان الگوی عملی پوشش، یعنی جلباب که پوشش خاص آن زمان بوده است، اشاره می کند. در اینجا، می توان نتیجه گرفت که برای ایجاد فرهنگ حجاب و پوشش مناسب در جامعه، باید ابتدا پایه های اعتقادی و بینش افراد را نسبت به این موضوع، محکم کنیم و این، یعنی نهادینه سازی باورهای درست و فرهنگ سازی دقیق. بنابراین، تهدید و اجبار، هیچ گاه به عنوان اولین راهکار، اثر بخش نخواهد بود.

این آیه، به پیامبر فرموده است که ابتدا، به زنان و دختران خود و بعد، به زنان مؤمن بگو که حجاب را رعایت کنند. یعنی، در امر به معروف، اول از خودی ها و نزدیکان شروع کنیم، سپس به سراغ دیگران برویم. همچنین در احکام الهی، تفاوتی میان همسران و دختران پیامبر، با دیگر زنان وجود ندارد. احکام دینی، باید مورد توجه و استفاده ی همه

قرار گیرد. (۴) هر پدیده ای، آثار و پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت. حجاب نیز، به عنوان یک راهکار عملی، آثار فردی و اجتماعی مختلفی را به دنبال خواهد داشت.

آثار و پیامدهای رعایت حجاب

الف- آثار فردی

در خصوص آثار فردی رعایت حجاب، می توان به موارد ذیل اشاره کرد:
۱. احترام به شخصیت زن، به واسطه ی رعایت حجاب، ۲. مصونیت ارتباطات زن با مردان غریبه، ۳. حفظ اعتقادات مذهبی برای افراد، ۴. حفظ عفت زن و جلوگیری از فساد و ناهنجاری.

ب - آثار اجتماعی

آثار اجتماعی رعایت حجاب فراوانند که برخی از آنها عبارتند از:
۱. سلامت نسل جدید جامعه، ۲. پیشگیری از فساد اخلاقی، ۳. مبارزه با مظاهر بی دینی، ۴. حفظ کیان خانواده. در این نوشتار، آیه ی ۵۹ سوره ی احزاب و نکات پیرامون آن را بررسی کردیم، اما در مورد انواع حجاب، با مطالعه ی کتب تفسیری و آیات قرآنی دیگر، مشخص می شود که انواع حجاب در قرآن، به سه بخش تقسیم شده است.

انواع حجاب قرآنی

۱. حجاب چشم

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ؛ اِی رَسُوْلٍ، بِهٖ مَرْدَانَ مُؤْمِنٍ بَغْوًا تَاجِشُم هَا رَا اَز نِگَاہ نَارُوَا بَیْوَشْنَدُ». (سوره ی نور، آیه ی ۳۰)
«قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛ اِی رَسُوْلٍ، بِهٖ زَنَانَ بَغْوًا تَاجِشُم هَا رَا اَز نِگَاہ نَارُوَا بَیْوَشْنَدُ». (سوره ی نور، آیه ی ۳۱)

۲. حجاب در گفتار

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است.
«فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ؛ زَنَاهَا كَهٗ نَازِكٍ وَنَرَمَ بِمَا مَرْدَانَ سَخَنَ نَگُوْبِيْدُ، مَبَادَا اَنْ كَهٗ دَلَشَ بِيْمَارٍ (هَوَا وَ هُوَس) اِسْتِ، بِهٖ طَمَعٍ اَفْتَدُ». (سوره ی احزاب، آیه ی ۳۲)

۳. حجاب رفتاری

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه ای راه نروند که با نشان دادن زینت های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند.

«و لا یضربن بارجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ؛ و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود». (۵) (سوره ی نور، آیه ی ۳۱)

از مجموع این مباحث، به روشنی استفاده می شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم، در خلال رفتارهای مختلف آنها، مثل نحوه ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است. بنابراین، حجاب و پوشش زن، به منزله ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرمی است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند.

در انتها، این نوشتار را با بیان سخنانی از استاد شهید «مرتضی مطهری» که در تبیین فلسفه ی حجاب در اسلام، تلاش علمی فراوانی داشت، به پایان می رسانیم: «عده ای می گویند: چون حجاب، به معنی پرده است، اسلام خواسته است زن باحجاب باشد، یعنی همواره پشت پرده بوده و در عزلت و گوشه نشینی باشد، اما باید بدانیم آنچه درباره ی پوشش زن است کلمه «ستر» به کار می رود. پوشش زن، در اسلام آن است که در معاشرت با مردان، بدن خود را پوشانده و از جلوه گری، پرهیز کند». (۶)

عفاف و حجاب در سیره حضرت زهرا (س)

روز ۲۱ تیر ماه به مناسبت یادآوری شهادت مروه شروینی در دادگاه آلمان که بیرحمانه به دست یکی از نژاد پرستان آلمانی در دفاع از حق خویش به شهادت رسید؛ روز عفاف و حجاب نام گذاری شد. از این روی مناسب است نگاهی به عفاف و حجاب داشته باشیم.

عفاف و حجاب دو ارزش اخلاقی در جامعه بشری بویژه جوامع اسلامی است که همواره در کنار هم و گاه به جای هم به کار رفته اند. با توجه به معانی ذکر شده، حجاب یک امر ظاهری و بیرونی است؛ یعنی در حقیقت پوشش ظاهری افراد، بویژه زنان را حجاب می گویند. اما «عفاف و حیا»، یک حالت درونی است که انسان را از گناه و حرام باز می دارد و آثار آن در گفتار و کردار انسان نمود پیدا می کند. «حجاب» در حقیقت همان نمود «عفاف» در نوع پوشش است.

مسئله پوشش و حفظ عفاف خاص دنیای اسلام و حتی دنیای ادیان توحیدی نیست. بر اساس زمینه فطری، حتی جوامع اولیه و به دور از تمدن و مذهب هم آن را مورد توجه خود قرار داده اند. ۱. و در همه جوامع و ملل به صورت های گوناگون، کم و بیش وجود داشته است، اما با آمدن اسلام این مسئله به عنوان یک حکم تکلیفی و ضروری برای زنان تعیین گردید.

بر مبنای دستورات اسلام هنگامی که زن پوشیده با وقار باشد و در روابط اجتماعی جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، افراد مغرض، جرات نخواهند کرد تا وی شوند. ۲. بر اساس فطرت و طبیعت انسانی، زنان از ازظرافت، لطافت و جاذبیت های خاصی برخوردار هستند که عمل و رفتار آن هاست، رابه سوی خود جذب کنند. هم چنان که در روایات آمده است: «المرئیه ریحانه» ۳ یعنی «زن هم چون ریحانه یا شاخه گلی، ظریف است»، اگر باغبان او را پاس ندارد، از دید و دست تعرض گلچین، مصون نمی ماند.

البته با بررسی آیات و روایات در می یابیم که رعایت عفاف شامل مردان نیز می شود و نیز در لزوم رعایت عفاف، تفاوتی بین افراد زن و مرد وجود ندارد. ۴ اما به علت طبیعت و روحیه زنان، اسلام برای آن که قدر و ارزش زن ها محفوظ باشد با مقرر داشتن حکم پوشش، زنان را از سهل الوصول بودن مصون داشته و با حجاب محدوده مطمئن تری پیرامون او قرار داده است. ۵. بنابراین برای سالم سازی جامعه باید به دنبال عفت عمومی باشیم تا حجاب آگاهانه گسترش یابد تا سلامت و امنیت اجتماعی در جامعه پایدار شود.

عفاف و حجاب در رفتار حضرت زهرا (س)

«عفاف و حجاب» در رفتار فاطمه(س) نمود کاملی دارد که با افتخار می توان گفت که در میان زنان جهان حضرت فاطمه ی زهرا (س) بسیار پاکدامن و عقیف بودند و در طول زندگی خویش، در خانه و خانواده و روابط اجتماعی تجسم عینی حیا و عفاف به حساب می آمدند.

حضرت (س) اگرچه نمونه کامل یک زن مسلمان در تمام اوصاف و کمالات اسلامی به ویژه در حجاب و عفاف بود، ولی مسائل سیاسی و اجتماعی را نیز در مواقع حساس نادیده نمی گرفت، و در صورت لزوم در اجتماع حضور می یافت و به مبارزه می پرداخت و حتی در مجامع عمومی و خصوصی به مناظره نشست و به روشنگری پرداخت، ولی در عین حال هرگز از پرده حجاب کامل و عفاف لازم بیرون نرفت.

حضرت زهرا(س) در تمام ابعاد بهترین سرمشق و الگوی عملی برای جامعه امروز و فردا است. یعنی جامعه باید وضعیت عفاف و حجاب فاطمه(س) را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و به همان صورت عمل نماید. صدیقه طاهره وقتی وظیفه ایجاب می کند که سخن بگوید، با قاطعیت تمام سخنرانی می کند و آنجا که دیگر داعی ندارد برای اینکه با نامحرم بنشیند، مجلس را ترک می کند مراعات حفظ حریم حجاب به قدری دقیق و ظریف است، که ضروری است برای حفظ امنیت و ارتباطات اجتماعی و سلامت جامعه همگان در این مورد با نظر دقیق بنگرند.

مهمان نوازی فاطمه زهرا(س)

در دیدگاه اسلام معاشرت های اجتماعی در قالب دوستانه و صله رحم همواره مورد تاکید قرار گرفته است؛ این ارتباط های اجتماعی امری غیر قابل اجتناب است. در سیره فاطمی نوع این ارتباط و رفت و آمدها را مشاهده می کنیم با این تفاوت که حضرت زهرا(س) در معاشرت ها حیا و عفاف را همراه باحباب و پوشش مناسب رعایت می کردند.

مهمان نابینا

حضرت زهرا (س) چنان حیا و عفاف را به عنوان یک این فضیلت ارزشی و کمال گرایانه که مورد خواست و رضایت خداوند است را سرلوحه ی رفتار خویش قرار داده بود که از همه ی نامحرمان حتی از مردان نابینا نیز خود را می پوشاند.

در روایت ها آمده است که مردی نابینا پس از اجازه گرفتن، وارد منزل امام علی(ع) شد. پیامبر(ص) مشاهده کردند که حضرت زهرا(س) برخاست، فرمودند: «دخترم! این مرد نابیناست.» قالت فاطمه(س): «إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَأَنْتِي أَرَاهُ وَ هُوَ يَسْمُ الرِّيحَ؛ پدر، اگر او مرا نمی بیند، من او را می نگرم! اگر چه او نمی بیند؛ اما بو را استشمام می کند!» ۷

رسول خدا پس از شنیدن سخنان دخترش فرمود: «شهادت می دهم که تو پاره تن من هستی.» ۸

از این حدیث استفاده می شود که دختر عالی قدر رسول خدا تا چه میزانی شرم و حیا داشت و چقدر از مردان بیگانه دوری می جست؟ و تا ضرورتی نبود از کنار مردها نمی گذشت، هر چند تاریخ اذعان دارد که فاطمه (س) در مواقعی که لازم بود به میان جامعه آمده و سخنرانی کرده است. در این حدیث بیان حیا و عاف فاطمی مطرح است که از نظر روانشناسی نوع برخورد حیا و عفاف حضرت را کاملاً نشان می دهد.

پوشش ساده

در سیره فاطمی عفاف و حجاب، اصل غیر قابل تغییر است. هدف رعایت پوشش مورد نظر اسلام است که با ساده ترین پارچه هم می توان عفاف و حجاب را داشت. در زندگی حضرت زهرا (س) تجمل و تبرج امری مذموم است که در اسلام ترد شده است. فاطمه (س) که دختر پیامبر (ص) و همسر علی (ع) است، می توانست از پارچه های زربفت و حریر، نوع پوشش خود را انتخاب کند؛ اما تاریخ اذعان دارد که فاطمه (س) در نهایت سادگی و خضوع چادری بر سر داشت که شاید زنان دیگر مدینه هرگز چنین پوششی نداشتند.

اما از دیدگاه فاطمی نفس وجود حجاب و حفظ آن در جامعه است که بتواند سر مشقی برای پایین ترین زندگی مردم هم باشد؛ که حجاب و عفاف مخصوص سران یا عامه مردم نیست بلکه همه ی مردم در هر سطحی (فقیر یا ثروتمند) باید آن را رعایت کنند، حتی اگر این چادر، چادری وصله دار باشد.

پوشش زاهدانه حضرت زهرا (س) به این علت بود که با ساده زیستی خود زنان را از غلتیدن در دام تجمل ها و تبرج ها، باز دارنود در مرحله عمل، ارزش ها و منزلت انسان را در تعالی روحی و معنوی اثبات کنند. هم چنان که مقام معظم رهبری در خصوص ساده زیستی زهرا (س) و درس گرفتن از آن فرمودند: «ساده زیستی دختر پیامبر (ص) یک نمونه برای زنان امروز جامعه ما است. ما روحیه مصرف گرایی را کنار بگذاریم و در زندگی به حد لزوم اکتفا کنیم و از افراط بپرهیزیم و آرزوهای حقیر و کوچک را فدای ارزش های بزرگ بکنیم، نمونه کامل آن را در زندگی فاطمه زهرا - سلام الله علیها - می توان در تاریخ مشاهده کرد.» ۱۱

در خصوص چادر ساده صدیقه طاهره از سلمان نقل شده است: «روزی حضرت فاطمه (س) را دیدم که چادری وصله دار و ساده بر سر داشت. در شگفتی ماندم و گفتم عجب! دختران پادشاهان ایران و قیصر روم بر کرسی های طلایی می نشینند و پارچه های زربفت به تن می کنند، و که این دختر رسول خداست! نه چادرهای گران قیمت بر سر دارد و نه لباس های زیبا!!

فاطمه (س) پاسخ داد: قالت: «یا سلمان! إِنَّ اللَّهَ دَخَرَ لَنَا النَّيِّابَ وَ الْكَرَاسِيَّ لِيَوْمِ آخِرٍ.» ۱۲

«ای سلمان! خداوند بزرگ، لباس های زینتی و تخت های طلایی را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.» ۱۳

اصل و تکلیف پوشش در اسلام امری موکد است، در برخی آیات، قرآن زنان را مکلف می کند، جاذبه ها و زینت های ظاهری و باطنی خود را آشکار نکنند، مگر آنچه نمایان است. ۱۴ آنها باید پوششی مناسب که تمام گردن و سینه و اندام ها و زینت های پنهان آنها را مستور کند داشته باشند که موجب تهیج شهوت مردان نگردد و موجب آزار و اذیت خود توسط افراد بیمار دل را فراهم نکنند. ۱۵ کردار و راه رفتن آنها نیز باید به دور از جلوه گری، خودنمایی و جلب توجه باشد.

در نظام مقدس اسلام، این امور کاملاً حکیمانه و به مصلحت زن و اجتماع وضع گردیده است. با دقت در سیره حضرت زهرا (س) آن اسوه به تمام معنا در می یابیم که ایشان آئینه تمام نمای حجاب و عفاف اسلامی است و هدف پوشش زن بوده است نه تبرج و خودنمایی بالباس های زینتی و...!!

این روایت ها بر این نکته تاکید دارد که حجاب در اسلام هرگز مانع حضور زنان در عرصه جامعه و فعالیت های فرهنگی و اجتماعی و مانع رشد استعداد های علمی و توانایی های زنان نیست؛ بلکه می خواهد این حضور در حریم امن اجتماعی عمل شود و بیان می دارد که حجاب احترام و عزت ایجاد می کند. و اعتبار معنوی حضرت زهرا (س) بقدری بود که شمعون یهودی با کمال رضایت و احترام، چادر وصله دار حضرت را می گیرد و در برابر این عظمت روحی و ایثار حضرت زهرا (س) سر بر سجده می گذارد و مسلمان می شود.

نتیجه

احکام و دستوراتی که اسلام در سیره معصومین و حضرت زهرا (س) الگوی عملی جوامع قرار داده، همه و همه بیانگر توجه دقیق و موشکافانه اسلام نسبت به سلامت جامعه و فرد می باشد. در روابط اجتماعی عفاف و حجاب رمز بهداشت و سلامت روانی جامعه است و یکی از ارزش های والای انسانی و اسلامی که سرچشمه ارزش های دیگر، و موجب آثار

درخشان معنوی است، که می‌توان آن‌ها را از پایه‌های اخلاق و صفت کلیدی برای عقب زدن رذایل در روابط اجتماعی و سوق دهنده به سوی تکامل و درجات عالی و کمالات متعالی زنان و مردان در جامعه دانست.

در بین مسائل مختلف اخلاقی و اجتماعی خانواده، رعایت عفاف و حجاب زنان و مردان، نحوه ارتباط‌های اجتماعی از مسائل مهمی است که متأسفانه امروز در جوامع با تهاجم و شبیه خون فرهنگی مورد غفلت و تسامح و تساهل قرار گرفته است و بنیان خانواده و اجتماع را مورد حمله قرار داده است. وضعیت موجود در روابط اجتماعی و خانوادگی نشان می‌دهد که نوعی انحراف از فطرت زنان و مردان ایجاد شده است که ماحصل آن گامی به سوی بی بند و باری و فساد در روابط اجتماعی است.

جهت حل معضلات و مشکلات اجتماعی نیاز به الگوی عملی برای زنان و مردان است که با پیروی از این الگو و همانند سازی می‌توانند مسیر هدایت و سعادت و آرامش را به دست آورند. با توجه به وضعیت عفاف و حجاب در جامعه امروز و آشنایی با سیره فاطمه (س) و الگوگیری در گفتار و رفتار و رعایت عفاف در روابط اجتماعی، بسیار ضروری و حیاتی است.

شناخت و معرفت فاطمی نشان می‌دهد که در سیره و روش آن حضرت حفظ حجاب و عفاف اصلی مهم است که هرگز مانع فعالیت‌های اجتماعی نمی‌شود؛ بلکه بی‌مبالاتی در حفظ و رعایت عفاف و حجاب و خودنمایی و تبرج و اختلاط بی جادر معاشرت‌ها ممنوع و مذموم است. و این که حکم عفاف و حجاب برای شناخته شدن زن به عفاف و پاکی و امنیت او از آزار و اذیت‌های اجتماعی الزامی شده است. اسلام می‌خواهد با تدبیر و درایت زن و مرد در روابط اجتماعی با هم مرتبط باشند تا نگاه انسانی و بستر تکاملی در جامعه فراهم شود و جسم‌ها در دید قرار نگیرد، بلکه معرفت و انسانیت و ارزش‌ها در معاشرت‌ها حاکم شود.